

« درس اول »

« هدایت الہی »

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

۱- شرط ایمان واقعی اجابت خدا و رسول است.

۲- بخشیدن زندگی و حیات معلول و نتیجه اجابت خدا و

رسول است.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

۱- خواست هر انسان خردمند این است که ما را به راه راست هدایت فرماید.

۲- اگر کسی چنین درخواستی نداشته باشد نتیجه اش گمراهی و خشم خداوند است.

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى

۱- هدایت عمومی (عامه): اصل عام و همگانی در نظام

خلقت

۲- خداوند هر مخلوقی را برای رسیدن به هدفش هدایت

می کند.

۳- لازمه ربوبیت الهی، هدایت است.

سُبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

۱- این آیه اشاره به هدفداری در خلقت و اشاره به صفت

حکمت الهی دارد.

۲- قانونمندی نظام هستی

رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ  
بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

۱- هدايت تشريعی (رُسُلًا)

۲- ارسال رسولان بر اساس صفت عزت و حکمت الهی  
است.

۳- خداوند با ارسال رسولان حجت را بر مردم تمام  
می کند.

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

۱- هدایت تشریحی ( الْكِتَابَ )

۲- اختیار انسان

۳- وکیل مدافع نبودن پیامبر

۴- حکیمانه بودن رسالت رسولان

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ

هَدَانَا اللَّهُ

۱- آیه از زبان بهشتیان است.

۲- هدایت تشریحی

۳- نتیجه هدایت الهی رسیدن به قرب الهی یعنی مقام

بهشت الهی است.



## نیازهای برتر

انسان، اندکی که از سطح زندگی روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم تر روبه رو می بیند. این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و حتی درد متعالی تبدیل می گردند که قرار و آرام را از او می گیرد تا پاسخ آن ها را نیابد، آرام نمی گیرد. این دغدغه و درد، نشانه ی بیداری و هوشیاری و ورود به وادی انسانیت است.

هر که او بیدارتر، پردردتر هر که او هشیارتر، رخ زردتر

این نیازها عبارتند از:

۱- **درک هدف زندگی:** انسان می خواهد بداند « برای چه زندگی می کند » و کدام هدف است که به زندگی اش معنایی متعالی می دهد. او می داند که اگر این هدف حقیقی را به دست نیاورد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده، درحالی که سعادت و خوشبختی را هم به دست نیاورده است. راستی، هدف برتر زندگی کدام است؟

۲- درک آینده خویش: انسان با کمک عقل خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنابر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود کننده ی او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، اما نمی داند که نحوه ی زندگی او پس از مرگ چگونه است؟ زاد و توشه ی سفر به آنجا چیست؟ و خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟

۳- کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه‌ی اصلی انسان‌های فکور و خردمند بوده است؛ به خصوص که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار آن را تجربه می‌کند. انسان می‌داند که اگر راه درست زندگی را انتخاب نکند، به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده، نخواهد رسید و نه تنها در آخرت دچار خسران خواهد شد،

بلکه نخواهد توانست زندگی فردی خود در دنیا را نیز به

خوبی تنظیم نماید و یک جامعه ی عادلانه به وجود آورد.

اما راه درست زندگی کدام است؟ چگونه می توان آن را به

دست آورد؟

برای این که پاسخ به این نیازها، پاسخی راهگشا و اطمینان بخش باشد، باید:

**الف - همه جانبه باشد؛** به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی انسان پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی توان برای هر بُعدی برنامه ریزی جداگانه ای کرد.

**ب - پاسخ ها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند؛ زیرا**  
هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است  
تا کارایی آن مشخص شود. در حالی که عمر محدود آدمی  
برای چنین تجربه ای کافی نیست، به خصوص که راه های  
پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون است.  
کسی می تواند انسان را در جهت پاسخ گویی درست به  
این نیازها رهنمون شود که آگاهی کاملی از خلقت انسان،

هدف از خلقت، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و  
ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او و  
چگونگی زندگی در جهان آخرت و ارتباط آخرت با دنیا  
داشته باشد.



## هدایت عمومی

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می کند و برای رسیدن به آن هدف هدایت می فرماید. آفرینش بی هدف، نشانه ی نقص و ضعف و ناآگاهی است و این ویژگی ها نمی تواند در خداوند باشد. پس، هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

هدایت  
خلقت ← هدف

## هدایت ویژه انسان

ویژگی‌ها و ارزش‌هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات می‌شود. این ویژگی‌ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرب به خداوند که تقرب به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، می‌باشد.

یکی از این ویژگی‌ها، توانایی تفکر و تعقل و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب است.

اگر می‌گوییم حرکت انسان اختیاری است، بدان معناست که می‌تواند هدفِ درست را تشخیص دهد، آن را برگزیند و به سویش حرکت کند.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون. انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی‌یابد و پاسخ می‌دهد. مثلاً می‌داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده‌ای روشن در انتظار اوست.

همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است. از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه ی نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

امام کاظم به شاگرد برجسته ی خود، هشام بن حکم، فرمود: ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالا تر است.

ای هشام، خداوند دو حجّت بر مردم دارد: حجّتی آشکار و

حجّتی نهان. حجّت آشکار، رسولان و انبیا و ائمه اند و

حجّت نهان، همان عقل انسان هاست.

بنابراین، عقل وسیله ی فهم پیام الهی است و هرکس با تفکر و تعقل خود در پیام الهی بیندیشد، درخواهد یافت که:

- ۱- هدف و مقصد زندگی انسان چیست و با کدام هدف، زندگی وی معنای حقیقی خود را خواهد یافت.
- ۲- آینده ی انسان چیست و چگونه رقم می خورد.
- ۳- راه درست زندگی چیست و چگونه به سعادت خواهد رسید.

## اندیشه و تحقق

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا

لَا يَعْقِلُونَ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ

كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

رابطه ی حجت ظاهر (آشکار) با حجت باطن (نهان)



إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

۱- پاسخگوی نیاز به درک درست از آینده خویش

(لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا)

۲- پاسخگو به نیاز کشف راه درست زندگی (هِيَ أَقْوَمُ)

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثِيَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ

حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱- پاسخگو به نیاز درک درست از آینده خویش (حياة طيبة)

۲- ایمان شرط عمل صالح است.

۱- کدام نیاز از نیازهای انسان است که خود را در سؤال «چگونه زیستن» نشان می دهد؟ «جامعیت و قابلیت کسب اعتماد» از ویژگی های ..... انسان است. (سراسری خارج از کشور - ۹۱)

۱) کشف راه درست زندگی - سؤال های مطرح شده از سوی

۲) درک هدف زندگی - سؤال های مطرح شده از سوی

۳) کشف راه درست زندگی - پاسخ های داده شده به پرسش های

ناگزیر

۴) درک هدف زندگی - پاسخ های داده شده به پرسش های

گزینه ی «۳» صحیح است

ناگزیر

۲- اگر گفته شود: « خدای متعال هر یک از موجودات را برای « هدفی خاص » آفریده و ساختمان وجودی ویژه ای به هر کدام بخشیده است » این مفهوم از دقت در پیام کدام آیه استنباط می شود؟ ( سراسری تجربی - ۹۱ )

(۱) رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ

(۲) إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

(۳) سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ

(۴) الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

گزینه‌ی «۳» صحیح است

۳- هدف نهایی خلقت انسان، که تقرّب به خداوند است، دست مایه‌ی هماهنگی دو حجت آشکار و نهان است که به ترتیب ..... و ..... می‌باشند که ..... آن وسیله‌ی فهم پیام الهی است. ( سراسری انسانی - ۹۱ )

(۱) انبیاء و ائمه - عقل - نخستین

(۲) انبیاء و ائمه - عقل - دومین

(۳) عقل - انبیاء و ائمه - دومین

(۴) عقل - انبیاء و ائمه - نخستین

گزینه‌ی «۲» صحیح است

۴- « هدایت عامّه ی خداوند و هدایت خاصّه ی او » به ترتیب از دقت در مفهوم آیه ی شریفه ی ..... و آیه ی شریفه ی ..... به دست می آید که به ترتیب بیانگر ..... و ..... می باشند.

(۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى - رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - هدف - هدف خاص (سراسری هنر - ۹۱)

(۲) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى - رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - هدف خاص - هدف

(۳) رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى - هدف - هدف خاص

(۴) رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى - هدف خاص - هدف  
گزینه ی «۳» صحیح است

- ۵- اگر گفته شود : « دل مشغولی ، دغدغه و درد متعالی انسان، نشانه ی بیداری و هوشیاری و ورود به وادی انسانیت است » این عبارت ، بدان معنی است که : ( سراسری زبان - ۹۱ )
- (۱) انسان، هرگز خالی از دغدغه و اضطراب و دل مشغولی نیست.
- (۲) انسان، محصور در نیازهای روزمره و زندگی طبیعی نیست.
- (۳) نیازهای زندگی و روزمره ی انسان، متغیر و متفاوت است.
- (۴) انسان، به دلیل انسان بودنش، نمی تواند به محدودها خرسند باشد.
- گزینه ی «۲» صحیح است

۶- نیاز بشر که خود را در قالب « چگونه زیستن » نشان می دهد، همان ..... است که پیام آیه ی شریفه ی ..... بیانگر آن است. ( سراسری زبان ۹۱ - با تغییر )

(۱) کشف راه زندگی - إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

(۲) درک هدف زندگی - إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

(۳) کشف راه زندگی - و يقول الذين كفروا لو لا أنزل عليه آية من ربه ان الله يُضِلُّ من يشاء و يهدي اليه من انا

(۴) درک هدف زندگی - و يقول الذين كفروا لو لا أنزل عليه آية من ربه ان الله يُضِلُّ من يشاء و يهدي اليه من انا  
گزینه ی «۱» صحیح است



۷- با دقت در آیه ی شریفه ی «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا...» کدام مفهوم مستفاد نمی گردد؟ (سراسری خارج از کشور - ۹۰)

(۱) هر کس با استفاده از عقل و اختیار خود، پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات پیدا می کند.

(۲) چون خداوند، ابزار تفکر و تعقل به انسان داده، هدایت وی را با فرستادن کتاب انجام داده است.

(۳) انسان مختار مسئول هدایت یا ضلالت خود است و خداوند با ارسال پیامبر (ص) او را وکیل هدایت مردم قرار داد.

(۴) چون هر کس مسئول هدایت یا ضلالت خود است، خداوند به پیامبر می فرماید که رسالت تو در حد تبلیغ است.

گزینه ی «۳» صحیح است

۸- از دقت در آیه ی شریفه ی «وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ» به ..... که ..... است، پی می بریم. ( سراسری ریاضی - ۹۰)

(۱) تقدّم حجّت باطن بر حجّت ظاهر - عقل وسیله ی فهم پیام الهی

(۲) تأخّر حجّت باطن از حجّت ظاهر - پیام الهی مقدمه ی ایصال به بلوغ عقلی

(۳) تأخّر حجّت باطن از حجّت ظاهر - عقل وسیله ی فهم پیام الهی

(۴) تقدّم حجّت باطن بر حجّت ظاهر - پیام الهی مقدمه ی ایصال به بلوغ عقلی  
گزینه ی «۱» صحیح است

« درس دوم »

« هدایت مستمر »

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا  
وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا  
فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ  
وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ

۱- دین در راستای منافع انسان است.

۲- همه ادیان در اصل یکی هستند.

۳- نبوت منصبی الهی است. (اللَّهُ يَجْتَبِي)

وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا  
كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَى  
إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ  
عِيسَى وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ  
مُسْلِمُونَ.

۱- هدایت شده واقعی کسی است که به همه ی پیامبران ایمان  
بیاورد و میان آنان تفرقه نیندازد.

۲- محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه ی  
آنان آورنده ی یک دین بوده اند.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا  
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ  
سَرِيعُ الْحِسَابِ

- ۱- دین آدم تا خاتم یک جریان پیوسته است. «الْإِسْلَامُ»
- ۲- این آیه ریشه ی پیدایش ادیان مختلف را بیان می کند که مورد قبول قرآن نیست.
- ۳- علت اختلاف اهل کتاب این است که با این که علم داشتند «جَاءَهُمُ الْعِلْمُ» از روی ستم و تجاوز «بَغْيًا» این اختلاف را به راه انداختند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ .....

۱- رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام از علل تجدید

نبوت ها

۲- ارتباط معنایی با حدیث « نحن معاشر الانبياء امرنا ان

نكلم الناس على قدر عقولهم » دارد.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ

وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

۱- این آیه اشاره به ختم نبوت دارد که بر اساس علم الهی  
است.

۲- ارتباط معنایی با حدیث منزلت دارد.



اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

۱- نبوت منصبی الهی است.

۲- ارتباط معنایی با آیه ی «اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ» دارد.

## الف - فطرت مشترک و دین واحد

فطرت از کلمه ی فَطْرُ به معنای خلق و ابداع است. فِطْرَت به معنای نوع خاص آفرینش است. پس وقتی از فطرت انسان سخن می گوئیم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی هایی است که در اصل آفرینش وی وجود دارد. از هنگام آفرینش انسان تا کنون ، اقوام و ملت های گوناگونی روی کره زمین آمده و زندگی کرده اند. این انسان ها با این که در برخی

خصوصیات، مانند: نژاد، زبان و آداب و رسوم با یک دیگر تفاوت دارند، اما در ویژگی های فطری مانند: دوست داشتن، فضیلت ها و بیزاری از رذیلت ها مشترکند و به همین جهت همه نام مشترک انسان گرفته اند.

به سبب همین ویژگی های فطری مشترک، خداوند یک برنامه ی کلی به انسان ها عنایت کرده تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقشان قرار داده است برساند. این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

هیچ پیامبری نیامده است مگر این که مردم را به این محورها مانند توحید و نبوت و معاد و .... فراخوانده است. به همین جهت است که می گوییم محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان بوده است و همه ی آن ها آورنده ی یک دین بوده اند. آری، تعالیم پیامبران در برخی از احکام فرعی تفاوت داشته است، همانند چگونگی انجام نماز و روزه، پرداخت زکات، احکام خانواده و جامعه. اما این تفاوت سبب

نمی شد که اصل دین و راه آنان مختلف شود و هر کدام  
دین خاصی بیاورند، چون همه ی آن ها در آن محورهای  
اصلی و نیز در اصل بسیاری از احکام مانند، نماز، روزه ،  
جهاد، امر به معروف و نهی از منکر مشترک بودند.

## ب - علل آمدن پیامبران متعدّد

۱- لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته ی آن: لازمه استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان راسخ و مجاهدتی بی مانند، در طول زمان های مختلف قدم در راه تبلیغ دین الهی می گذاشتند و سختی ها و ناملایمات را تحمل می کردند تا خداپرستی، عدالت طلبی و کرامت های اخلاقی میان

انسان ها بماند و گسترش یابد و شرک، ستمگری و رذائل  
اخلاقی از بین برود.

این تداوم سبب شد که تعالیم الهی در میان مردم بماند،  
جزء آداب و فرهنگ آنان شود و کسانی نتوانند به سادگی  
آن را از میان جامعه ی بشری بیرون کنند.

## ۲- رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام:

علت دیگر آمدن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن مانند دانش و فرهنگ می باشد. از همین رو لازم بود تا در هر عصر و دوره ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند تا همان اصول ثابت دین الهی را درخور فهم و اندیشه ی انسان های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند تا آنان پیام الهی را در حد فهم خود درک کنند و به آن ایمان آورند.



پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

نحن معاشر الأنبياء ما انبياء مأمور شده ایم

أُمرنا أن نُكَلِّمَ النَّاسَ  
که با مردم به اندازه ی

عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛  
فهم و درکشان سخن بگوییم.

### ۳- از بین رفتن یا تحریف تعلیمات پیامبر پیشین:

به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه ی کتابت، تعلیمات انبیاء به تدریج فراموش می گردید یا به گونه ای عوض می شد که دیگر به اصل آن شباهتی نداشت، براین اساس، پیامبران بعدی می آمدند و تعلیمات اصیل و تحریف نشده را بار دیگر به انسان ها ابلاغ می کردند.

**سؤال:** علت وجود ادیان مختلف در جهان چیست؟

**پاسخ:** تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه ی تاریخ انبیاء الهی نشان می دهد که هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث شده است، پیامبران گذشته را تصدیق کرده و خود را ادامه دهنده ی راه آنان معرفی نموده است و از پیروان آنان دعوت کرده که به امر خداوند به او ایمان آورند و او را یاری دهند.

قرآن کریم منشأ اصلی اختلاف و چند دینی را آن دسته از رهبران دینی معرفی می کند که به خاطر حفظ مقام و موقعیت و منافع خود در برابر دعوت پیامبر جدید ایستادند و پیامبری او را انکار کردند و سبب اختلاف و چند دسته شدن پیروان پیامبران شدند.

## ج - ویژگی های پیامبران

۱- وحی: کلمه ی وحی در قرآن کریم برای موارد مختلف به کار رفته و اختصاص به پیامبران ندارد. اما عالی ترین درجه ی آن که مخصوص پیامبران است، به معنای القای معانی و معارف به قلب پیامبر از سوی خداوند و سخن گفتن خداوند و جبرئیل با اوست. از طریق وحی برنامه ی هدایت الهی به پیامبران داده می شد و آنان این برنامه را به مردم ابلاغ می کردند.

۲- **اعجاز:** پیامبران از جانب خداوند، کارهای خارق العاده ای انجام می دهند که هیچ کس نمی تواند مانند آن را انجام دهد. تا مردم دریابند که آنان با خداوند ارتباط دارند و از طرف او مأمور به پیامبری شده اند. قرآن کریم این آثار خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند و دانشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند. زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد را در انجام این امور آشکار می سازد.

۳- عصمت: پیامبر زمانی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد. مردم نیز زمانی گفته ها و هدایت های وی را می پذیرند که مطمئن باشند هیچ گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبرشان گناه می کند و دچار خطا می شود، به او اعتماد نمی کنند و از وی پیروی نخواهند کرد. بنابراین، پیامبران نه تنها باید در اجرای مأموریت خود از گناه

و اشتباه مصون باشند بلکه این عصمت باید در مجموعه ی رفتارهای آنان متجلی شود. در غیر این صورت، مردم، کردار ناشایست آنها را دلیل بر دروغگوییشان می دانند و به آنها اعتماد نمی کنند.

بالا تر از همه، ضرورت عصمت در حوزه ی مسئولیت های مربوط به رسالت است. زیرا:



اگر پیامبری در دریافت و ابلاغ وحی معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی رسد و امکان هدایت از مردم سلب می شود.

اگر پیامبری در مقام تعلیم و تبیین دین معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود و اعتماد مردم به دین از دست می رود.

اگر پیامبری در هنگام اجرای فرمان های الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی مخالف دستورات الهی انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و به گمراهی و انحراف مبتلا شوند.

حال، باید ببینیم که مصونیت از گناه در پیامبران به چه صورت است؛ آیا یک مانع بیرونی پیامبران را از ارتکاب گناه و خطا باز می‌دارد یا خود به اختیار به سمت گناه نمی‌روند؟

**در پاسخ می‌گوییم:** پیامبران، با وجود مقام و منزلتی که دارند، انسان‌اند و کارهای خود را با اختیار انجام می‌دهند و چنان مرتبه‌ای از ایمان و تقوا را دارند که هیچ‌گاه به سوی گناه نمی‌روند. همچنین از چنان بینش عمیقی برخوردارند که گرفتار خطا و اشتباه نمی‌شوند.

## د - آخرین پیام آور الهی

قرآن کریم، حضرت محمد (ص) را آخرین فرستاده ی الهی معرفی کرده و فرموده که ایشان « خاتم النبیین » است. پیامبر اکرم (ص) نیز در اجتماعات مختلف مسلمانان این موضوع را یادآوری می کرد تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند.

بنابراین، نبوت پیامبر گرامی اسلام پایان می پذیرد و پس از ایشان کتاب جدیدی از طرف خداوند نازل نمی شود.

زیرا عواملی که سبب تجدید نبوت ها و آمدن کتاب های آسمانی جدید بود، از بین رفت و عواملی که انسان ها را بی نیاز از کتاب جدید می نمود، پدید آمد.  
این عوامل عبارتند از:

**۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی:**  
گفتیم که یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه ی کامل زندگی بود.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. درواقع، انسانها وارد دوره ی بلوغ فکری شده بودند. خداوند کتابی بر پیامبر اکرم (ص) نازل کرد که نیازهای هدایتی بشر را در طول زمان ها پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: در پرتو عنایت الهی و با  
اهتمامی که پیامبر اکرم (ص) در جمع آوری و حفظ قرآن  
داشت و با تلاش و کوشش مسلمانان در دوره های مختلف،  
این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا  
از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به  
« تصحیح » و « تکمیل » ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

### ۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم (ص):

تعیین امام معصوم (ع) از طرف خداوند سبب آن شد که

نقش ها و مسئولیت های پیامبر، به جز دریافت وحی، ادامه

یابد و جامعه از این جهت کمبودی نداشته باشد.

۴- پیش بینی راه های پاسخ گویی به نیازهای زمانه:  
مجموعه ی معارف و احکام موجود در قرآن، سیره و سنت  
پیشوایان دین، به گونه ای از جانب خداوند طراحی شده که  
با مراجعه به آن ها می توان پاسخ به سؤال ها و نیازهای  
جوامع را در همه ی دوره ها به دست آورد؛ به شرط آن که  
از روش علمی و درست تحقیق که به وسیله ی عالمان و  
متخصصان دین تدوین شده است، استفاده گردد و با دانش  
لازم و بصیرت کافی عمل شود.



اکنون به برخی از ویژگی های دین اسلام که سبب انطباق آن با نیازهای متغیر زمان می شود، می پردازیم:

**اول - توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای**

**ثابت:** انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود دو دسته نیاز

دارد: نیاز ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، شغل، معاشرت

و دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و

تربیت و حکومت.

این نیازها در همه زمان ها برای بشر وجود دارند و از بین نمی روند. دین اسلام برای هر کدام از این ها قوانین ثابت و مشخصی دارد که پاسخ گوی این نیازهاست. دسته ی دیگر، نیازهای متغیر هستند که در داخل همین نیازهای ثابت پیدا می شوند. یعنی انسان ها با گذشت زمان برای پاسخگویی به نیازهای ثابت خود، از روش ها و شیوه های مختلف و متغیری استفاده می کنند.

مثلاً نیاز به دادوستد یک نیاز ثابت است. اما شیوه و چگونگی دادوستد برحسب زمان قابل تغییر است. دادوستد امروز که از طریق اسکناس و بانک و نظایر آن صورت می گیرد با دادوستد دیروز تفاوت های زیادی پیدا کرده است. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است؛ اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه هایی که به این منظور به کار گرفته می شود در مقایسه با دوره های گذشته بسیار متفاوت شده است.

دوم وجود قوانین تنظیم کننده: در اسلام دسته ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه ی احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی احکام و مقررات را تحت نظر قرار می دهند و کنترل می کنند.

به طور مثال، پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام - اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است.»

این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می کند. مثلاً روزه ی ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است. اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می گردد. همچنین، استفاده از امکانات خصوصی مانعی ندارد؛ اما اگر سبب اذیت دیگران شود، حرام است. قاعده ی دیگری که در قرآن کریم آمده، این است که فرموده « مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ »

«خداوند برای شما در دین تنگی، و اضطرار قرار نداده است.»  
براساس این قاعده، اگر مسلمانی یا جامعه‌ی اسلامی در  
اجرای یک قانون دچار اضطرار شود، می‌تواند با نظر فقیه و  
متخصص دین آن را به شکلی انجام دهد که از اضطرار بیرون  
آید.

### سوم - اختیارات حاکم و نظام اسلامی:

یکی دیگر از راههایی که اسلام برای پاسخ‌گویی به نیازهای  
جدید پیش‌بینی کرده، اختیارات حکومت اسلامی است.

تحولات و مسائل اجتماعی گاهی شرایط خاصی را در جامعه اسلامی پدید می آورد که نیازمند قوانین و مقررات ویژه آن شرایط است. به طور مثال صنعت بیمه و بانکداری از نیازهای زندگی امروزه است که حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام آن ها را به اجرا درمی آورد.

۱- لازمه ی استقرار و ماندگاری یک دعوت ، ..... و در حقیقت ..... (سراسری خارج از کشور- ۹۱)

۱) تبلیغ دائمی و مستمر همراه با ایمان راسخ است - پیدایش ادیان مختلف مورد قبول قرآن می باشد.

۲) پای بندی به اصول و ارزش های آن می باشد - پیدایش ادیان مختلف مورد قبول قرآن می باشد.

۳) تبلیغ دائمی و مستمر همراه با ایمان راسخ است - دین همه ی انبیا یکی بوده اما در برخی احکام فرعی تفاوت داشتند.

۴) پای بندی به اصول و ارزش های آن می باشد - دین همه ی انبیا یکی بوده اما در برخی احکام فرعی تفاوت داشتند.

گزینه ی «۳» صحیح است



۲- آن جا که الگوگیری از پیامبری به « گمراهی و انحراف بیانجامد » زمانی است که پیامبری در مقام ..... معصوم نباشد، به سوی گناه نرفتن پیامبران و گرفتار نشدن آنان به خطا و اشتباه، برخاسته از ..... می باشد. (سراسری ریاضی-۹۱)

(۱) تعلیم و تبیین دین - ایمان و تقوا و بینش عمیق آنان

(۲) تعلیم و تبیین دین - لطف خاصّ الهی نسبت به آنان

(۳) اجرای فرمان های الهی - لطف خاصّ الهی نسبت به آنان

(۴) اجرای فرمان های الهی - ایمان و تقوا و بینش عمیق آنان

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۳- با توجه به آیه ی شریفه ی « إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا

اِخْتَلَفَ الدِّينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ... » اهل کتاب اختلاف نکردند مگر

بعد از ..... و اختلافشان از روی ..... بود و منشأ این

اختلاف و چند دینی ..... ( سراسری هنر - ۹۱ )

۱) ناآگاهی از دستوره‌های الهی - جهل و نادانی - آن دسته

از رهبران دینی بوده اند که با آمدن پیامبران جدید در

مقابل دعوت او ایستاده و پیامبری او را انکار کردند.

۲) ناآگاهی از دستوره‌های الهی - جهل و نادانی - ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه‌ی کتب انبیای قبلی بوده است.

۳) آن که از حقیقت آگاه شدند - ستم و تجاوز - ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه‌ی کتب انبیای قبلی بوده است.

۴) آن که از حقیقت آگاه شدند - ستم و تجاوز - آن دسته از رهبران دینی بوده‌اند که با آمدن پیامبران جدید در مقابل دعوت او ایستاده و پیامبری او را انکار کردند.

گزینه‌ی «۴» صحیح است

۴- « ایجاد خاصیت انطباق و تحرک در هر زمان » مرتبط با کدام بُعد از ابعاد پیش بینی راه های پاسخ گویی به نیازهای زمانه از سوی اسلام است و آن جا که می گوییم: « اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است » به کدام مورد توجه کرده ایم؟ ( سراسری زبان - ۹۱ )

- ۱) اختیارات حاکم و نظام اسلامی - وجود قوانین تنظیم کننده
  - ۲) وجود قوانین تنظیم کننده - وجود قوانین تنظیم کننده
  - ۳) وجود قوانین تنظیم کننده - اختیارات حاکم و نظام اسلامی
  - ۴) اختیارات حاکم و نظام اسلامی - اختیارات حاکم و نظام اسلامی
- گزینه‌ی «۲» صحیح است

۵- از تدبّر در آیه ی شریفه ی «وما أرسلنا من رسول إلّا بلسان قومه لیبین لهم ...» کدام مفهوم مستفاد می شود؟

( سراسری خارج از کشور - ۹۰ )

- ۱) همه ی پیامبران رساننده ی پیام خدای واحد بوده اند.
  - ۲) رشد عقلی دادن به انسان های هر زمان، زمینه ساز هدایت آنان است.
  - ۳) میزان درک و فهم انسان های هر زمان، تأثیرگذار در سطح تعلیمات انبیاء می باشد.
  - ۴) مأموریت نهاده شده بر دوش انبیا در هر زمان، رشد عقلی دادن به انسان می باشد.
- گزینه ی «۳» صحیح است

۶- مفهوم این کلام پیامبر گرامی اسلام (ص) که می فرماید:  
« نحن معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس علي قدر عقولهم » با  
آیه ی شریفه ی ..... مطابقت دارد که حاکی از ..... می باشد.

(۱) « وما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه » - رعایت سطح درک  
انسان ها در ابلاغ پیام الهی (سراسری تجربی - ۹۰)

(۲) « وما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه » - لزوم استمرار در  
دعوت و ترویج پیوسته ی آن در هر زمان

(۳) « الله يجتبي اليه من يشاء و يهدي اليه من ينيب » - لزوم  
استمرار در دعوت و ترویج پیوسته ی آن در هر زمان

(۴) « الله يجتبي اليه من يشاء و يهدي اليه من ينيب » - رعایت  
سطح درک انسان ها در ابلاغ پیام الهی

گزینه ی «۱» صحیح است